

بسم الله الرحمن الرحيم



گفتگوی صحابی جلیل القدر، ربیع بن عامر با رستم فرمانده فارس

(ترجمه)

به پاسخ محمد مصلح

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

تاریخ گفت‌وگویی را که بین ربیع بن عامر و رستم، فرمانده فارس رد و بدل شده از افکار عام اسلام و جهاد گفته است. سوالم این است که چی چیزهای در این گفت‌گو ذکر شده است؟ زمانی که مسلمانان فارس را فتح کردند، رستم، فرمانده فارس نماینده‌ای را فرستاد که هیأتی را برای گفت‌وگو طلب کرد و در خواست این مذاکره به دلیل رغبت شدیدی که رستم به صلح داشت، بود و یا به هر شکل ممکن دیگری که لشکر مسلمانان با آن از راه جنگ وارد نشود؛ پس ربیع بن عامر رفت تا با رستم مقابل شود؛ اما ربیع از جمله فرماندهان لشکرهای اسلامی نبود؛ بلکه سردار قوم خود بود.

توجه شما را به این گفت‌وگوی می‌خواهم:

رستم: برایش اجازه دهید که وارد شود.

سپس ربیع با اسپ خود بر فرش‌های هموار شده پیش روی رستم داخل و وقتی وارد شد، دید که بالشت‌های آن‌جا طلاکاری شده است؛ پس یکی از این بالشت‌ها را پاره نموده و لگام اسپ خود را کش کرد و توسط آن اسپ خود را بسته کرد؛ سپس نیزه‌اش را گرفت و رو به سوی رستم کرد؛ در حالی که او بر آن تکیه زده بود، نیزه در فرش داخل شد و فرش را پاره و سوراخ کرد، مردم فارس و

رستم به سکوت فرو رفتند؛ در حالی که آن‌ها در مورد نشست آن فکر می‌کردند، او نشست و نیزه‌اش را در پیش رویش گذاشت و بر آن تکیه زد؛ سپس رستم سخن را شروع کرد.

رستم: چی چیز شما را به این‌جا کشانده؟

ربعی: الله سبحانه و تعالی ما را فرستاده تا بندگان را از بندگی بندگان بیرون و به بندگی پروردگار بندگان بکشانیم! فرستاده شدیم تا بندگان را از ظلم ادیان باطله به سوی عدل اسلام فراخوانده و از تنگی دنیا به سوی فراخی و وسعت دنیا و آخرت سوق دهیم، هرکسی این را از ما پذیرفت، ما هم از آن می‌پذیریم و اگر نپذیرفت، از آن جزیه می‌گیریم و اگر جزیه را رد کرد، در برابر آن می‌جنگیم تا با نصرت الله سبحانه و تعالی بر آن پیروز شویم.

رستم: اگر شما قبل از پیروزی مردید.

ربعی: الله سبحانه و تعالی برای کسانی که از ما مرده جنت را وعده داده و پیروزی برای کسانی است که باقی می‌ماند.

رستم: سخنت را شنیدم و مقصد ترا فهمیدم، آیا می‌شود که ما را مهلت دهی تا نظر رهبران و مردم خود را بگیریم؟ سپس رستم مهلتی از ربعی خواست تا فکر کند.

ربعی: بلی، چی قدر می‌خواهی که ترا وقت دهم، یک روز و یا دو روز؟

رستم: نه، بیشتر برایم وقت بده تا من با قوم خود در مدائن مشوره کنم.

ربعی: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما آموخته است که گوش‌های مان را از دشمن دور نساخته و در وقت مقابله برای شان بیشتر از سه روز وقت ندهیم؛ یعنی تنها سه روز برای شان وقت دهیم تا نتوانند که کار خود را سامان دهند؛ من از این پس سه روز ترا وقت می‌دهم، اسلام را اختیار کن، پس بر می‌گردم و ترا رها می‌کنیم و یا جزیه بده و اگر نیاز به کمک داشتی، برایت کمک می‌کنیم و اگر نیاز به کمک ما نداشتی باز می‌گردیم و رد پیشنهاد شما در روز چهارم است! من کفیل و نماینده قوم خود هستم و اطمینان می‌دهم که به جنگ شروع نکنیم، مگر در روز چهارم یا این که تو شروع کنی؛ یعنی من ضمانت می‌کنم که مسلمانان تا روز سوم علیه تو نجنگند؛ مگر در روز چهارم.

رستم: آیا تو سردار ایشان هستی؟ یعنی تو سردار قوم خود هستی که تضمین عدم جنگ را می‌دهی؟

ربعی: نخیر، من یک فردی از لشکر هستم، اما کوچک‌ترین ما بر بزرگ‌ترین ما حق اجازه دادن را دارد؛ یعنی کوچک‌ترین مرد ما چیزی را که بگوید و یا عده‌ای را وعده کند، بزرگ ما ناچار است که انجام دهد.

سپس رستم بازگشت و سخن گفت که یک قسمت سخن‌اش بار دوم چنین است:

رستم: آیا منطق آن را دیدید؟ آیا قوت آن را دیدید؟ آیا اطمینان آن را دیدید؟ قوم خود را چنین مورد خطاب قرار می‌داد تا ایشان را به عقد صلح با مسلمانان قناعت دهد و به این شکل از جنگ با ایشان خود داری کند؛ اما قوم‌اش پیشنهادش را ترک و لجاجت کردند؛ سپس جنگ شد و مسلمانان پیروز و دولت فارس از بین رفت.

برادرم آیا این گفت‌وگوی صحیح است و یا ساخته شده؟ و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

پاسخ

و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته!

ای برادرم، این عزت، هیبت و عدم ترس اسلام است که به جز از الله قوی و شکست‌ناپذیر ترس ندارد...! این قصه با تفاوت بعضی الفاظ در منابع متعددی ذکر شده که در معنی تفاوت ندارد و از جمله مصادری که این روایت را نقل کرده، تاریخ طبری (۳/۳۳-۴۰) البدایة والنهائة ابن کثیر (۷/۴۶+۴۷) تاریخ ابن خلدون (۲/۹۴+۹۵) است.

آری، چنانچه در منابع آمده است: «... ترجمان برایش گفت: چی چیز شما را به این جا کشانده؟ او گفت: الله سبحانه و تعالی ما را فرستاده تا بندگان را از تنگی دنیا به فراخی دنیا و از ظلم ادیان به عدالت اسلام بکشانیم! ما با دین الله سبحانه و تعالی به سوی مخلوقات‌اش فرستاده شدیم؛ پس کسی که از ما پذیرفت، ما آن را پذیرفته خودش و سرزمین‌اش را می‌گذاریم و کسی که ابا ورزید، با او می‌جنگیم تا به سوی جنت برویم و یا به سوی پیروزی! رستم گفت: "آیا می‌توانی که این مسئله را به تعویق بیندازی تا در آن نظری بیندازم؟" او گفت: بلی، چی قدر خوب است یک روز و یا دو روز؟ رستم گفت: "نخیر تا ما با اهل رأی و رؤسای قوم خود گفت‌وگوی کنیم." پس ربعی گفت: چیزی که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ما سنت گذاشته این است که دشمن را بیش‌تر از سه روز وقت ندهیم؛ پس در مورد خود و ایشان فکر کن و اختیار کن، اگر اسلام را اختیار نمودی تو و سرزمین‌ات را به حال آن می‌گذاریم و یا این که جزیه بده جزیه ترا می‌پذیریم و از جنگ خودداری می‌کنیم و اگر نیاز پیدا کردی ترا یاری می‌رسانیم و یا این که در روز چهارم پیشنهادت را رد می‌کنیم؛ اگر می‌خواهی توهم پیشنهاد ما را رد کن! من نماینده و کفیل هدایت از جانب اصحابم هستم. رستم گفت: آیا سردارشان تو هستی؟ گفت: نه؛ مسلمانان مانند یک جسد اند، بعضی در عوض بعض دیگری اجازه می‌دهد مادون شان بر ما فوق شان...» بلی، این عزت اسلام و کامیابی در دنیا و آخرت است!

﴿يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾. (سوره صف آیه ۱۲ و ۱۳)

ترجمه: آثار گناهان‌تان را می‌زداید و شما را به بهشت‌هایی که نهرها از زیر آن جاری است، مسکن مطلوبی در بهشت‌های جاوید در می‌آورد! این است آن پیروزی عظیم؛ دیگری که شما دوست دارید، باری الله و پیروزی نزدیک و مؤمنین را بشارت ده!

برادرتان عطاء ابن خلیل ابو الرشته

۱۸ رجب ۱۴۴۳ ه.ق.

۱۹ فبروری ۲۰۲۲.م

مترجم: مصطفی اسلام